

Theological foundations and strategic principles in the dialogue between religions with an Islamic approach

Abdollah Gholami ganjavi ¹ | Seyed Ruhollah Dehqan baghi ²

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, School of Medicine, University of Medical Sciences Shiraz, Shiraz, Iran.
E-mail: gholami13296@yahoo.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Education, School of Medicine, University of Medical Sciences Shiraz, Shiraz, Iran.. E-mail: vakilco@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 11 July 2023

Received in revised form:

6 August 2023

Accepted: 19 August 2023

Published online:

28 August 2023

Keywords:

Theological foundations,
dialogue between religions,
divine treatises,
Best debate

ABSTRACT

Since long ago, "dialogue" has been used by wise men as an effective and reasonable process and solution to secure human benefits and interests. One of the important fields of dialogue is the dialogue between different religions. On the one hand, the effectiveness of the dialogue method and the fundamental mission of religions as a plan for the guidance and eternal happiness of mankind obliges the guardians of religions to seek help from this unique and experienced method. This research has extracted the theological principles of the dialogue between religions by examining religious sources and texts, and using the descriptive analytical method and library collection of data, it has examined and analyzed the content and documents obtained and shows that extracting concepts and foundations from Islamic teachings It is one of the most important and best models for dialogue between religions. Based on the results of the foundations and indicators of 1- the limitation of human knowledge and written teachings of a religion; 2- Necessity of explaining and not hiding knowledge by educated people of every religion; 3- Qur'an's clarification on the protection of common standards, principles and values between religions; 4- The obligation of scholars to propagate divine messages; 5- Expressing conversational manners in the Qur'an; 6- The practical course of the Holy Prophet and religious leaders in different eras in the dialogue between religions; It is more frequent in Islamic sources and teachings. Islamic education while paying attention to the necessity of dialogue between religions; He also points out the emphasis on some strategic principles and components: a) dialogue with the purpose of truth-seeking and enlightenment; b) Adequate expertise and expertise of the parties to the debate; c) Timeliness and insight, decisiveness and frankness and all-round ethics with supporters and opponents and

Cite this article: Hakimifar, K., & Khodayar, D. (2021). Title of paper. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*,7(1), 214-231. DOI: 10.22111/jrm.2023.45190.1118



© The Author(s).

DOI: 10.22111/jrm.2023.45190.1118

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

مبانی الهیاتی و اصول راهبردی در گفتگوی ادیان و مذاهب با رویکرد اسلامی

عبداله غلامی گنجوی^۱ | سید روح الله دهقان باغی^۲

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: gholami13296@yahoo.com
 ۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: vakilco@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>از دیر باز تاکنون، «گفتگو» به عنوان فرآیند و راهکاری مؤثر و معقول برای تأمین مصالح و منافع انسان از سوی حکما به کار گرفته شده است. یکی از عرصه‌های مهم کاربست گفتگو با نتایج خارق العاده، گفتگو بین ادیان مختلف است. کارآمدی راهکار گفتگو از یک سو و رسالت بنیادین ادیان به عنوان نقشه هدایت و سعادت ابدی بشر، متولیان ادیان را موظف به استمداد جستن از این راهکار کم نظیر و تجربه شده می‌نماید. این پژوهش با مطالعه و بررسی منابع و متون دین اسلام، مبانی و اصول الهیاتی گفتگوی بین ادیان و مذاهب را استخراج نموده و با روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای داده‌ها به بررسی و تحلیل محتوا و مدارک دست‌یافته پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که استخراج مفاهیم و مبانی از معارف اسلامی یکی از مهم‌ترین و بهترین مدل جهت گفتگوی بین ادیان است. بر اساس نتایج حاصله، مبانی و شاخصه‌هایی نظیر:</p> <p>۱- محدودیت دانش بشری و معارف مدون یک دین و مذاهب آن؛ ۲- ضرورت تبیین و عدم کتمان علم توسط فرهیختگان هر دین؛ ۳- تصریح قرآن بر حفاظت از معیارها، اصول و ارزش‌های مشترک بین ادیان؛ ۴- الزام علما به تبلیغ رسالات الهی؛ ۵- بیان آداب گفتگو در قرآن؛ ۶- سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین اسلام (ع) در اعصار مختلف در گفتگوی بین ادیان؛ در منابع و معارف اسلامی پر تکرارتر است. معارف عالیله قرآنی و دیگر منابع اسلامی ضمن توجه فراوان به ضرورت رونق گفتگوی بین ادیان؛ تأکید به برخی اصول و مؤلفه‌های راهبردی را نیز گوشزد می‌نماید: الف) گفتگو با هدف حقیقت‌جویی و روشن‌گری؛ ب) کاردانی و تخصص کافی طرفین مناظره؛ ج) زمان شناسی و بصیرت، قاطعیت و صراحت و خلاصه اخلاق مداری همه جانبه با موافقان و مخالفان و حتی معارضان در گفتگو. در نتیجه یکی از راهکارهای موفق و کارآمد برای روشن‌گری اذهان به منظور رفع سوء تفاهم‌ها و منازعات بین ادیان و مذاهب (خصوصاً ادیان ابراهیمی) اعتصام به حبل الهی و تمسک به گفتگو و رونق بازار مناظرات علمی تقریب مذاهب است.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۰</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۵/۱۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۶</p> <p>واژه‌های کلیدی:</p> <p>مبانی الهیاتی، گفتگوی بین ادیان، رسالات الهی، جدال احسن</p>

استناد: غلامی گنجوی، عبدالله؛ و دهقان باغی، سید روح الله (۱۴۰۲). مبانی الهیاتی و اصول راهبردی در گفتگوی ادیان و مذاهب با رویکرد اسلامی.

DOI: 10.22111/jrm.2023.45190.1118

مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی، ۷(۱)، ۲۳۱-۲۱۴.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

موضوع «گفتگو» را می‌توان از حیث پیشینه هم‌زاد بشر خواند. هنگام آفرینش انسان، رخداد گفتگوی گرم و صریح حضرت حق با فرشتگان پدید آمده است که از سویی فرشتگان بر اساس تلقی خویش، خلقت آدمی را به مسأله‌ای چالشی تبدیل نموده و در دیگر سو، خداوند کریم و بصیر از فرصت پیش آمده به خوبی استفاده فرموده تا ضمن پرده برداری از ابهامات، برخی از علل و فلسفه خلقت انسان را بازگو نموده و نخستین گفتگوی بین خالق و مخلوق را رقم بزند. با این مقدمه کوتاه می‌توان قدری در جایگاه «گفتگو» و اهمیت آن تأمل ورزید. محققان و پژوهشگران در مواجهه با این مقوله به تناسب دغدغه‌های خود و اقتضائات زمان و مکان، هر یک به نحوی تلاش کرده‌اند تا بعدی از ابعاد آن را بررسی و تبیین نمایند. منطق‌دانان تلاش نموده‌اند تا با طراحی و دسته‌بندی صناعات خمس، قالب‌های منطقی گفتگو را شرح و تفسیر نمایند. (مظفر، ۱۳۸۸، ص ۴۰۰ - ۴۰۹) عالمان اخلاق نیز کوشیده‌اند تا طرفین گفتگو را به مراعات آداب و اصول اخلاقی گفتگو رهنمون گردانند. برخی از اندیشمندان نیز با رویکردی فلسفی به چیستی و چگونگی این مقوله اهتمام ورزیده‌اند.

در این میان یکی از موضوعات قابل توجه که می‌تواند به انضباط هر چه بیشتر و ثمربخشی گفتگوی ادیان و مذاهب در جامعه امروز با رویکردی جهانی بیانجامد، پژوهش در «مبانی الهیاتی و اصول راهبردی در گفتگوی ادیان و مذاهب با رویکرد اسلامی» است. در این تحقیق تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از معارف اسلامی و استناد به منابع اصیل آن یعنی قرآن و سنت، اهداف و اصول راهبردی گفتگوی ادیان و مذاهب شناسایی و مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

اهمیت موضوع

در نظر اندیشمندان بزرگ جهان نقش و اثر گذاری ادیان و مذاهب در سیر تاریخی و تکاملی جوامع، موضوع مورد مناقشه‌ای نیست. آن‌چه بیشتر مورد بحث و گفتگوست میزان کارآمدی و اندازه تأثیر آن است. از آن‌جا که یکی از اهداف توسعه گفتگوی بین ادیان، در حقیقت استخراج و تجمیع ظرفیت‌های مذاهب و ادیان است تا به برکت استحصال این توانمندی‌ها، طرحی نو در الگوی زندگی و تعاملات بشر در انداخته شود، به ناچار باید بر اساس مدلی معقول و واقعی، چارچوب گفتگوی بین ادیان و مذاهب را با محوریت دین خاتم (آیین اسلام) استقرار بخشید. بدیهی است این مقصود بدون

واکاوی عمیق و همه جانبه در معارف و منابع اسلامی و بدون شناخت مبانی و اهداف و اصول راهبردی میسر نخواهد بود.

تعریف و اقسام گفتگو

گفتگو، مباحثه و مناظره به عنوان فعل اختیاری انسان بر اساس احترام متقابل و با به رسمیت شناختن طرفین بحث، برای تحصیل هدف یا اهدافی از قبل تعیین شده، انجام می‌گیرد. بنابراین گفتگو با سخن گفتن‌های متعارف که غالباً هدفی جدی را پیگیری نمی‌کند، متفاوت است. در یک نگاه کلی، انواع گفتگو به قرار زیر است:

الف) گفتگوی ارشادی و هدایت‌گرایانه؛

ب) گفتگوی تبلیغی؛

ج) گفتگوی آموزشی؛

د) گفتگوی اقناعی. (شریفی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۰ - ۲۳۱)

مبانی الهیاتی

در ابتدا باید توجه داشت که مقصود از مبانی الهیاتی در اینجا بیان مفاهیمی کلی و تجویزی است که از منظومه معارف اسلامی و منابع اصیل دین اسلام استخراج می‌گردد. این مبانی در حقیقت زیرساخت‌های اساسی مدل و الگوی گفتگوی ادیان و مذاهب خواهد بود. اولین اثر احصای این مبانی که در حقیقت بنیان‌های الگوی مطلوب گفتگوی بین مذاهب و ادیان را می‌سازد؛ این است که به محققان این امکان را می‌دهد تا در آغاز راه، تصویری روشن نسبت به هدف نهایی و اهداف میانی و کوتاه مدت فرآیند گفتگوی ادیان و مذاهب پیدا کند. در ادامه بحث و موقعیت مقتضی از ارتباط و نسبت مبانی و اهداف، نمونه‌هایی ذکر خواهد شد. در این‌جا به برخی از مهم‌ترین مبانی الهیاتی به اقتضای فرصت و مجال این پژوهش اشاره می‌شود:

۱- ضرورت هماهنگی با نظام احسن

اصلی‌ترین مفهوم در باور مسلمین و دیگر مذاهب توحیدی و ابراهیمی اعتقاد به خالقیت و ربوبیت خداوند یگانه است که هستی را بر اساس رحمت، عدالت، حق و حکمت بنا نهاده است. بر این اساس بیهودگی در آفرینش راه ندارد. نشان و نتیجه خردمندان نیز که از تفکر مداوم در خلقت آسمان‌ها و

زمین به دست می‌آید، هدفمندی عالم خلقت است.^۱ انسان مؤمن در چنین شرایطی موظف می‌شود تا برای تحصیل هماهنگی و تعیین جایگاه خود در نظام آفرینش، برای کشف حقایق و روشنگری در انتقال حقایق به دیگران، در روندی منطقی و مستدل با اهالی دیگر ادیان و مذاهب به گفتگو نشست و تلاش کند تا با محور قرار دادن مهم‌ترین نقطه اشتراک ادیان الهی، یعنی باورمندی به معبود یگانه و نفی شرک^۲، مبنای صحیحی برای گفتگوی سازنده اتخاذ نموده و گفتگو را در دیگر ابعاد و موضوعات حول این مبنای اساسی دنبال کند.

۲- پرهیز از غرور علمی و استقبال از معارف جدید

ادعای «همه‌چیز دانی» از سوی انسان‌های عادی، هر چند عالم و فرهیخته باشند، به وضوح نادرست است. از این رو در گفتگوی میان ادیان و مذاهب، ادعای دانش کامل از سوی هر یک از طرفین درگیر بحث، علاوه بر ناپسندی، موجب انسداد گفتگو خواهد شد. قرآن کریم در موارد مختلفی به ضعف دانش و علم بشر تاکید می‌ورزد.^۳ تأمل در برخی تعابیر و آموزه‌های قرآن نشان می‌دهد هدایت یافتگی بر طریق سعادت از راه شنیدن اقوال مختلف و تبعیت از نیکوترین آن‌ها حاصل می‌شود. «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، (زمر: ۱۸) «همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند.»

۱- "إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِذَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ"، (آل عمران: ۱۹۰ - ۱۹۱) «مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است. همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ (و می‌گویند): بار الهای اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!»

۲- "قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ"، (آل عمران: ۶۴) «بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را -غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت)، سرباز زنده، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!»»

۳ - به عنوان نمونه: " وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا"، (اسراء: ۸۵) «و از تو درباره «روح» سؤال می‌کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است.»»

خوی خودپسندی خصوصاً خودپسندی و غرور علمی، همواره در تعالیم اسلامی مورد تقبیح و توبیخ قرار گرفته است. از امیر المؤمنین علی (ع) نقل است: «مَنْ أُعْجِبَ بِرَأْيِهِ ضَلَّ وَ مَنْ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ زَلَّ وَ مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص. ۱۶۰) «هر آن که رأی و نظر خود را بزرگ پنداشت، گمراه شد و هر کس تنها با اتکا به عقل خود، خویشتن را بی‌نیاز دید، لغزید و کسی که بر مردم تکبر ورزید، خوار شد.» همچنین در روایت دیگری آمده است: «إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ ذَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص. ۱۶۱) «خود بزرگ‌بینی فرد نشانه ضعف و سستی عقل اوست.»

بر همین اساس علم و معرفت اندوزی در سیره نبوی (ص) نه از حیث معلّم و نه از نظر مکان و نه از جهت زمان، محدودیتی بر نمی‌تابد. یکی از انواع گفتگوها که از سخت‌ترین مصادیق آن نیز هست، گفتگوی انتقادی است که سیره معصومین (ع) نه فقط مهر تایید بر آن می‌زند؛ بلکه نقد را به عنوان اعطای هدیه از سوی ناقد به نقد شونده معرفی می‌کند. امام صادق (ع): «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أهدَى إِلَيَّ عَيْبِي» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص. ۶۳۹) «محبوب‌ترین برادرانم نزد من کسی است که عیوبم را به نزد من هدیه آورد.» از این جهت می‌توان گفت یکی از راه‌های معرفت‌افزایی و تکامل دانش و معارف دینی، رونق بازار گفتگوی بین ادیان است.

۳- ضرورت تبیین و عدم کتمان علم توسط عالمان

از مفاهیم پرتکراری که در قرآن به کار رفته، الفاظی نظیر: «بیان»، «بینه»، «مبین»، «بینات» و دیگر واژگان مترادف آن‌ها است. در این رهگذر وظیفه تبیین و عدم کتمان علم و حقایق بر دانیان و عالمان امری ضروری و حتمی است. در آیات ۱۵۹ و ۱۶۰ سوره بقره: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَيْنَاهُمْ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ * إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنَّا فَاُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»، «کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند؛ و همه لعن‌کنندگان نیز، آنها را لعن می‌کنند * مگر آنها که توبه و بازگشت کردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نیک،) اصلاح نمودند، (و آنچه را کتمان کرده بودند؛ آشکار ساختند) من توبه آنها را می‌پذیرم؛ که من تواب و رحیمم.» در این آیات، کتمان‌کنندگان علم مورد لعنت خداوند و همه لعنت‌کنندگان قرار گرفته‌اند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه که توبه را

مقید به «بَینُوا» نموده است چنین می‌گوید: مگر کسانی از این علمای کتمان‌گر که توبه کنند و برای مردم بیان کنند، آنچه را که کتمان کرده بودند، برای این است که طوری توبه کنند که همه مردم از توبه آنان خبردار شوند و لازمه توبه کردنی چنین این است که آنچه را کتمان کرده بودند، اظهار کنند و بگویند ما در این مدت حقیقت مطلب را کتمان کرده بودیم؛ و گرنه توبه‌شان توبه نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص. ۵۸۸)

بدیهی است به هر اندازه که محافل گفتگوی بین مذاهب کم رونق‌تر شود، به طور طبیعی فرصت تبیین و روشنگری آن‌هم در حوزه بینات و حقایق الهی کمتر خواهد شد و بهانه‌ها و توجیهات کافی در کتمان حقایق از سوی دانشمندان ابراز می‌گردد. نکته حایز اهمیت این است که آیا یکی از راه‌های مؤثر برای توسعه نهضت تبیین حقایق و روشنگری توسط عالمان و روشنفکران مسلمان رونق عرصه گفتگوی بین ادیان و مذاهب نیست؟ آیا این مطالبه صریح و به حق قرآن را می‌توان به عنوان یک مسلمان نشنیده گرفت؟!

۴- الزام عالمان به تبلیغ رسالات الهی

از آن‌جا که عالمان هر عصر به اقتضای روایت شریف نبوی (ص): «... إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ ...» (شیخ صدوق، ۱۳۶۴، ص. ۱۳۱) وارثان پیامبر خاتم (ص) بوده و بر اساس آیه ۳۹ سوره احزاب: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»، «پیامبران پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر است!»؛ باید همچون آن حضرت (ص) متعهد به تبلیغ رسالات الهی بوده و در این باره نیز از هیچ کس خشیتی نداشته باشند. آن‌گونه که از مفاد آیه به دست می‌آید، نخست باید مقدمات ارایه حقایق توسط اندیشمندان مذاهب در فضای سالم و امن توسط حاکمیت هر جامعه تامین گردد و در صورت فقدان سلامت و امنیت سیاسی و اجتماعی؛ لازم است عالمان هر جامعه با شجاعت و خداترسی بدون اعتنا به فشارهای اجتماعی و خطرهای احتمالی، با بی‌باکی به تبلیغ رسالت‌های الهی اهتمام ورزند. طبعاً یکی از کارآمدترین شیوه‌های تبلیغ رسالات الهی، استفاده از ظرفیت گفتگوی بین ادیان است. این ماموریت و الزام با توجه به معنای تبلیغ که با اعلام و اطلاع رسانی صرف یک پیام تفاوت ماهوی دارد، دو چندان می‌گردد. (عادل سبزواری، ۱۳۸۷: ج ۱، ص. ۲۶۲)

۵- تصریح و تأکید قرآن بر حفظ باورهای مشترک

اسلام به عنوان مکتبی که خود را حافظ منافع همه انسان‌های حق طلب می‌داند، به گاه توجه به منافع و مصالح انسانی، ضمن تأکید بر مرزهای عقیدتی و با عنایت به سرشت مشترک همه بشر، به انتقال مطالب و معارف دست می‌یازد. مثلاً در موضع تقبیح و انکار انگاره نژادپرستی با صراحت می‌فرماید: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳) «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!»

همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴) «بگو: «ای اهل کتاب! بیاوید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت)، سرباز زنند، بگوئید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» همان گونه که در این آیه ملاحظه می‌شود، قرآن ضمن دقت بر پیش‌بینی محتوا و قالب گفتگوی پیامبر اکرم (ص) با اهل کتاب، بر حفاظت و پاسداشت مصالح و باورهای مشترک هم تأکید کرده است. (محقق، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۰) بدیهی است تحقق چنین دستور العملی در سایه رونق گفتگوی مستمر بین مذاهب و ادیان حاصل می‌شود.

۶- یادآوری و تبیین آداب و شیوه گفتگو در قرآن

از جمله مفاهیم مبنایی که در آیات قرآن به اشکال مختلفی مطرح شده، توجه به شیوه‌های مباحثه و گفتگوی با مخاطب اعم از موافقان و مخالفان (رقیبان) است. در آیه ۱۲۵ سوره نحل: «أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»، «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به

روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است.»

مفسران عالی‌قدر در بیان و تفسیر دعوت با حکمت و موعظه حسنه و مجادله احسن به تفصیل سخن گفته‌اند و در تفاوت گفتگوی بر مدار حکمت و جدال احسن چنین آمده است: فرق بین حکمت (برهان) و جدال احسن این است که اگر مقدمات یک استدلال، حق، ضروری، ذاتی و دایمی بود، آن استدلال برهانی است. اما اگر مقدمات آن حق و مورد پذیرش و قبول رقیب یا توده مردم بود، آن را جدال احسن می‌نامند. به عبارت دیگر، حق معقول برهان و حق مقبول جدال احسن است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۸)

در آیه دیگری می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»، (عنکبوت: ۴۶) «با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند؛ و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم!» چنان‌که ملاحظه می‌شود در این آیه از مجادله غیر احسن با اهل کتاب منع شده است. این دستاورد و پیام مفهومی به انضمام پیامد مفهومی آیه قبل که به ضرورت پایبندی نبی مکرم (ص) و مسلمانان به گاه دعوت و گفتگوی میان ادیان، به سه شیوه پسندیده تاکید نموده؛ به دلالت التزامی، جواز و ضرورت ترویج گفتگوی ادیان و مذاهب را به پیروان آیین محمدی (ص) القاء می‌نماید.

۷- گفتگوی مستمر در سیره نبوی (ص) و اولیای دین اسلام (ع)

با آغاز تبلیغ علنی در تاریخ دعوت اسلامی و پس از نزول آیه شریفه: «فَاذْعَبْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»، (حجر: ۹۴) «آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)!» گفتگوی بین ادیانی پیامبر (ص) در مواجهه با جریان‌های معاصر آن حضرت (ص) ، شامل اهل کتاب (یهودیان، نصرانیان، صابئین)، مجوس (زرتشتیان) و حتی مشرکان و دهریون شروع شد. (ملا حویش، ۱۳۸۲: ج ۱، ص. ۱۹۰) رسول اکرم (ص) که از نظر ادارک و بینش، عقل ممثل و از لحاظ کنش و کوشش و منش عدل ممثل بود هرگز در این احتجاجات و گفتگوها از

مقدمات پنداری و خیالی و یا متشابهات کمک نمی‌گرفت تا شاید رقیب را از پا درآورد و بر وی غلبه یابد. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۲)

حق‌گرایی و مدیریت متکی بر عقلانیت و حکمت اسلامی از سوی نبی مکرم (ص)، هر روز بر پیشرفت گستره ایمان دینی و گرایش به توحید و تنویر اذهان و جلب قلوب مخاطبان بیدار دل می‌افزود. اوج این فرآیند گفتگوی بین‌ادیانی رسول اعظم (ص)، را می‌توان با مسیحیان نجران دید که در نهایت نیز به ماجرای مباحثه منتهی شد. از دیگر شواهد گفتگوی بین‌ادیان و مذاهب در سیره نبوی (ص)، مکاتبات پیامبر (ص) با سران ملل و دولت‌هاست. این سنت و منطق در سیره ائمه هدی (ع) خصوصاً امام باقر و امام صادق و امام علی بن موسی الرضا (ع) با جدیت تمام استمرار یافته است. در سیره عالمان و اندیشمندان بزرگ اسلامی نیز فارغ از گرایش مذهبی آنان همواره مناظرات و شرکت در «محافل مباحث بین‌ادیانی» به عنوان سنتی شایع و پر طراوت جریان داشته است. (کاکایی، ۱۳۸۱، شماره ۳۴)

جستجو در منابع و معارف اسلامی نشان می‌دهد؛ گرچه به دلالت مطابقی و به صورت نص، مثل امر و دستور قرآن به برپا داشتن نماز، در خصوص ضرورت گفتگوی بین‌ادیان و مذاهب سخن به میان نیامده است؛ لکن به دلالت التزامی و تضمینی با آموزه‌ها و گزاره‌هایی در قرآن و احادیث و سنت اسلامی بر می‌خوریم که با رویکردی عمیق و جامع هم بر ضرورت ترویج و هم آداب و قواعد گفتگوی ثمربخش و شیوه‌های کارآمد در مناظرات؛ خصوصاً مناظرات بین‌ادیانی تاکید می‌نماید.

به استناد آیات و تعالیم قرآنی، خداوند کریم را باید نخستین آموزگار و مبدع گفتگوی بین‌خالق و مخلوق دانست. چه زیباست که یکی از اساسی‌ترین محورهای گفتگوی بین‌ادیان؛ تبیین و تفسیر صحیح کلام الهی است و متکلمین، پیش‌قراولان مذاهب بزرگ جهان‌اند. این که ادعا شود عمق اندیشه کلامی هر مذهب، تابعی است از کم و کیف حضور متکلمان آن مذهب در رزمگاه گفتگوی بین‌ادیان، خود واقعیتی است که نمی‌توان در آن تردید روا داشت. گرچه بیان و تدوین مبانی الهیاتی گفتگوی مذاهب و ادیان؛ به چرایی و ضرورت ترویج روند روشنگری برای رفع اختلافات بین‌ادیان و مذاهب پاسخی معقول و موجه خواهد بود، لکن موضوع پر اهمیت دیگری که نباید از خاطر دور داشت؛ بیان مؤلفه‌ها و اصول راهبردی در الگوی مطلوب گفتگوی بین‌مذاهب است، که در ادامه به برخی موارد آن اشاره می‌شود.

مؤلفه‌ها و اصول راهبردی گفتگوی میان ادیان

الف) روشنگری و حقیقت‌جویی

گرچه افراد و اشخاص به هنگام ورود به گفتگو و مناظرات، انگیزه‌ها و اهداف متنوعی را می‌جویند؛ اما آن‌چه از منظر عقل و اخلاق انتظار می‌رود این است که طرفین گفتگو باید به کشف حقیقت بیایندیشند. توجه قرآن به تعبیر «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...» (زمر: ۱۸) «همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند»، شاید اشاره‌ای به حقیقت‌جویی داشته باشد. بر این اساس کسی که در مباحثه در جستجوی حقیقت است، زمانی که به طور منطقی به او نشان داده می‌شود که راه در پیش گرفته، نمی‌تواند وی را به مقصود نایل کند، طبعاً نه تنها آزرده نمی‌شود که سپاسگزار راهنما نیز خواهد بود. مضافاً این‌که، گفتگو باید به قصد روشن‌گری انجام پذیرد. روشن‌گری از مصادیق امر به معروف است و به تعبیر دیگر شکرگذاری نعمت فهم حقایق، دستگیری و مدد رسانی به افرادی است که به هر جهت از درک حقیقت بی‌نصیبند. (شریفی، ۱۳۸۹، ص ص. ۲۲۱ - ۲۲۲)

ب) کاردانی و تخصص کافی در موضوع گفتگو

هر مناظره و گفتگو، متضمن موضوعی معین است. پراکندگی و بی‌نظمی در مباحث، پیامدی جز ملال و بی‌حاصلی نخواهد داشت. صد البته آن‌گاه گفتگو مثمر و آثاری مبارک خواهد داشت که هر ضلع گفتگو، کاردانی و معرفت کافی به موضوع متن و ابعاد بحث داشته باشد. قرآن در آیات مختلفی از جمله آیه ۶۶ سوره آل‌عمران می‌فرماید: «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، «شما کسانی هستید که درباره آن‌چه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید؛ چرا درباره آنچه آگاه نیستید، گفتگو می‌کنید؟! و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.» کسانی که در مقام گفتگو بدون علم و اهلیت در موضوع به مجادله می‌پردازند، مورد توبیخ قرار می‌دهد. از آثارگفتگوی فاقد اهلیت در موضوع، ابتلای به منازعات و مشاجرات ویران‌گر است. در چنین گفتگوهایی است که جهل بر فضای محفل غالب شده و عقلانیت به حاشیه می‌رود و به قول مولوی: ابله‌ی، به جای دانشوری می‌نشیند!

مشت بر هم می‌زدند از ابله‌ی پر بُدند از جهل و از دانش تهی

(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۳۶۸۸)

با وجود وضوح موضوع، باز هم به دفعات شاهد مناظرات و گفتگوهایی هستیم که شوربختانه نه تنها در مسیر روشن‌گری و رفع سوء تفاهم‌های مذهبی پیامد مثبتی ندارند؛ که اختلافات و بدبینی‌ها و تشدید عداوت‌ها را نیز به دنبال می‌آورد.

ج) شجاعت و بی‌باکی آری! تهتک ممنوع

بی‌باکی و جسارت برای هر محقق و طالب حقیقت، امری لازم است. شیرازه کتاب علم و اندیشه‌ورزی همواره با شجاعت، پیوندی دیرینه داشته است. بسیاری از علما و فرهیختگان تاریخ، بی‌مهری‌ها و در مقاطعی بی‌حرمتی‌های فراوانی را به اعتبار شجاعت علمی خود به جان خریده‌اند. به قول حافظ که می‌گوید:

درد عشقی کشیده‌ام که مپرس زهر هجری چشیده‌ام که مپرس

(حافظ شیرازی، ۱۳۷۴، غزل ۲۱۱)

انبیای عظام الهی (ع) همچون ابراهیم خلیل (ع) و موسی کلیم (ع) و ایوب صبور (ع) و ... و پیامبر خاتم (ص) که خود قهرمانان نهضت روشن‌گری و اصلاح تاریخ بشر بوده‌اند؛ به دلیل بی‌باکی در مسیر تبلیغ رسالات الهی، چه خون دل‌ها که نخورده‌اند!

قرآن در این باره چنین می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»، (احزاب: ۳۹) «پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر است!»

نکته‌ای که در این جا قابل ذکر است در هم تنیدگی و تقارن دو مفهوم شجاعت و گستاخی (تهتک) در نگاه عامیانه است؛ که تشخیص مرز شجاعت و گستاخی را بر گروهی از مردم دشوار می‌سازد. در این خصوص عنایت به کلام جامع و ارزشمند مولی الموحدین علی (ع) خالی از لطف نیست: «قَصَمَ ظَهْرِي عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ فَالْجَاهِلُ يَعْشُ النَّاسَ بِتَنَسُّكِهِ وَ الْعَالِمُ يَنْفِرُهُمْ بِتَهْتِكِهِ»، (حجتی، ۱۳۶۷، ص. ۱۸۱) «دانشمند پرده در و عابد نادان، پشت مرا شکستند. زیرا نادان با عبادت خود مردم را فریب می‌دهد و دانشمند با تباه‌کاری‌های خود آنان را فراری می‌دهد.»

امام دو گروه را ویران‌گر ستون خیمه دیانت و مسلمانی می‌دانند: ۱) عابد نادان و متعصب و ۲) عالم هنجارشکن و گستاخ. از این جهت رعایت مرز مفهومی و مصداقی شجاعت که در برخی موارد

و مقاطع، آدمی را به ورطه تهور بی حساب دچار می‌سازد؛ نکته شایسته‌ای است که به گاه گفتگو و مناظرات، مد نظر قرار گیرد.

د) زمان شناسی و بصیرت در مقام گفتگو

چنان‌که قبلاً ذکر شد تعیین موضوع و وضوح محورها در گفتگو از اهمیت فراوانی برخوردار است. لکن رعایت اولویت‌بندی و پرداختن به جنبه‌های مهم موضوع، خود مسأله‌ای حائز توجه است. نشانه بصیرت سخنگویان و نمایندگان مذاهب، کوشش در مسیر صرف زمان گفتگو در رابطه با مهم‌ترین و ضروری‌تری مسائل فی ما بین است. در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره بقره؛ برای بیان مصادیق کتمان علم توسط عالمان این‌گونه آمده است: کتمان گاهی با سکوت عالمان و گاهی با توجیه و سرگرم کردن دیگران (مردم) به کارها و موضوعات کم اهمیت و خالی از اولویت واقع می‌شود. در هر یک از این دو، کتمان علم صورت گرفته است. به عبارت دیگر فرقی بین سکوت عامدانه عالم و گفتار فاقد اولویت و بصیرت نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص. ۵۸۴) هر دو دسته مورد خطاب عتاب‌انگیز قرآن قرار گرفته‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»، «کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند؛ و همه لعن‌کنندگان نیز، آنها را لعن می‌کنند.»

علم به اقتضائات زمان و مکان، برای سخنگویان هر دین و مذهب ظرفیتی است که بسیاری از تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند، چنان‌که از امام صادق (ع) نقل شده است: «... أَلْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ أَلَلْوَابِسُ...»، (حرانی، ۱۳۷۷، ص. ۳۵۶) «آن که زمانش را شناسد شبهه‌ها بر او هجوم نبرد.»

ه) قاطعیت و صراحت در گفتگو

تلاش طرفین برای نتیجه‌مندی مناظره، نوعی مدد‌رسانی به روند گفتگو است. بنابراین گفتگوی منطقی و ساختارمند هرگونه سهل‌انگاری و شوخ‌طبعی را بر نمی‌تابد. در نتیجه آنچه در این مقام مطلوب می‌نماید صراحت و پرهیز از هرگونه تعارف و سخن کنایه آمیز در گفتار است. خصوصاً هنگامی که پای مصالح اساسی دین و مذهب یا مصالح انسان‌ها در میان باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶:

در همین باره تعبیر بلند و گران سنگی از امیر المؤمنین امام علی (ع) به یادگار مانده است: در موضعی که ابن عباس را قبل از شروع جنگ نهروان به دلالت این گروه فرستاد، در توجیه و توصیه او چنین فرمود: «لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ ... وَ لَكِنْ حَاجِبُهُمْ بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصاً» (رضی، ۱۳۷۸، ص. ۳۵۸) «به قرآن برای آنان حجت میاور، که قرآن تاب معناهای گوناگون دارد. تو چیزی از آیه می‌گویی، و خصم تو چیزی از آیه دیگر، لیکن به سنت با آنان گفتگو کن، که ایشان را راهی نخواهد بود، جز پذیرفتن آن.»

از آن جا که صراحت و قاطعیت سخنگویان در تبیین حقایق در برخی مقاطع می‌تواند با احتمال تهدیداتی همراه باشد، قرآن با صراحت مراتب حمایت و پشتیبانی خود را از سخنوران و مبلغان طریق توحید اعلام می‌نماید: «... وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»، (احزاب: ۳۹) «... و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر است!» این مبلغان از احدی جز خدا حساب نمی‌برند و کفایت می‌کند آنان را که خداوند حسابگرشان است. همچنین در موضع دیگری خداوند با اعلام حمایت خود چنین می‌فرماید: «... وَ اللَّهُ يَعَصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ...»، (مائده: ۶۷) «... خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد ...»

و) اخلاق مداری در گفتگو

کنش‌های انسانی آن‌گاه که به فضایل اخلاق مزین می‌شود، جذابیت و شکوه دیگری به خود می‌گیرد. گفتگو آن هم در شکل بین ادیانی که نمایندگان مذاهب در مقابل هم قرار می‌گیرند؛ انتظار می‌رود در چنین موقعیتی فرهیختگان و نمایندگان هر مذهب مراتب پای‌بندی خود را به موازین اخلاقی بیش از پیش نشان دهند. با توجه به گستردگی ابعاد موضوع مورد بحث و مجال اندک این پژوهش، در این جا صرفاً به برخی از اصول اشاره می‌شود:

۱) اصل مهربانی و ملایمت: قرآن که پیامبر خاتم (ص) را صاحب خلق عظیم توصیف نموده است؛ رمز توفیق حضرتش را در جلب و جذب مخاطبان، خوی نرم و ملایمت آن پیامبر رحمت معرفی نموده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنْ حَوْلِكَ ...»، (آل عمران: ۱۵۹) «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند ...» ناگفته معلوم است کسی که دارای مدعای حق و منطقی است، چه نیازی به خشونت و درشتی در گفتار و رفتار دارد؟! مگر نه این است که انسان

هیجانی و گرفتار عصبانیت!! به قول امیر المؤمنین علی (ع) دچار تغییر در منطق و تفرقه فهم و انقطاع مواد استدلال می‌شود؟! «شِدَّةُ الْغَضَبِ تُغَيِّرُ الْمَنْطِقَ وَ تَقْطَعُ مَادَّةَ الْحُجَّةِ وَ تَفَرِّقُ الْفَهْمَ.» (کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص. ۳۱۹)

با استناد به آموزه‌های قرآنی حتی در گفتگوی با امثال فرعون و تابعان فرهنگ فرعون‌نی نیز مجاز به عدول از شاخص نرمی و ملایمت نیستیم. دستور صریح قرآن در مأموریت حضرت موسی و هارون (ع) برای انذار و هشدار فرعون زمان، توصیه به ملایمت و نرمی در گفتار این پیامبران عالیقدر است. «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»، (طه: ۴۶) «ما به نرمی با او سخن بگویند؛ شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد!»

۲) پرهیز از شخصیت‌زدگی: یکی از آسیب‌ها و آفات مناظره و گفتگو، غفلت از موازین حق و معیارهاست. هنگامی که یکی از طرفین مباحثه، به جای تطبیق کلام و رفتار اشخاص با موازین حق، به اشتباه کاملاً بر عکس عمل و قضاوت می‌نماید. جان‌مایه بسیاری از انکارها در مقابل بعثت روشن‌گرانه پیامبر اکرم (ص)، وقوع چنین آفتی در گفتگو است. مشرکین معاصر و مقارن بعثت، در پاسخ به دعوت و فراخوان منطقی و مشفقانه نبی رحمت (ص) می‌گفتند: «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ»، (زخرف: ۲۲) «بلکه آنها می‌گویند: «ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته‌ایم.»»

آفت شخصیت‌زدگی در حقیقت همان تقلید جاهلانه کورکورانه است که حاصلی جز عقب ماندگی و حرمان از دستیابی به واقعیت ندارد. در چنین شرایطی است که بالندگی و رشد فرهنگ و معرفت متوقف خواهد شد. مصداق واقعی ابتلای به این آسیب و آفت خطرناک برای شخصی بنام حارث بن حوط در جنگ جمل حادث شد. هنگامی که با حالت سرگردانی و تشکیک به امیر المؤمنین علی (ع) مراجعه کرد و چنین گفت: چگونه می‌توان در صواب بودن جنگی مطمئن بود که در یک سو علی بن ابیطالب و در سوی دیگر ام المومنین عایشه، طلحة الخیر و زبیر سیف الاسلام باشند؟! در پاسخ او امام (ع) فرمود: «انک لملبوس علیک، ان الحق و الباطل لا یعرفان باقدار الرجال اعرف الحق تعرف اهله و اعرف الباطل تعرف اهله.» ای حارث امر بر تو مشتبه شده است حق و باطل با قدر اشخاص شناخته نمی‌شود (سعی کن) حق را بشناسی تا اهله را، و باطل را بشناسی تا اهله را. (مطهری، ۱۳۸۰: ج ۱۶، ص. ۳۲۵)

۳) حق محوری، پرهیز از جدال و مرء و استبداد در آراء: نکته پر اهمیت دیگری که در آداب گفتگو لازم است مورد عنایت قرار گیرد، رعایت اصل حق محوری است حال این حق از کجا و چگونه محقق شده باشد، تفاوتی ندارد. آنچه اسباب شرمندگی اخلاقی فرد را فراهم می‌سازد، سخن و ادعای نا به حق اوست. حق برای به رسمیت شناخته شدنش، به هیچ سند و تباری نیازمند نیست. در فرازی از سفارشات حضرت عیسی مسیح (ع) به حواریون این چنین آمده است: «خذوا الحق من اهل الباطل و لاتاخذوا الباطل من اهل الحق کونوا نقاد الکلام.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص. ۹۶) «حق را از اهل باطل بگیرید؛ اما باطل را از اهل حق نگیرید؛ ناقدان سخن باشید.»

هم چنین آفاتی نظیر خودخواهی در رأی و جدال و مرء در گفتگو نیز مثل روی گردانی از حق و استکفاف از پذیرش کلام حق، دودمان مناظرات و گفتگوهای بین ادیان را چون توفان سهمگین بر باد می‌دهد و بذر نا امیدی کاشته و تشدید منازعات را به دنبال خواهد داشت. در خسارت آفرینی خودپسندی عالمان در آراء؛ توجه به کلام گهربار امام باقر(ع) قابل توجه اهل فضل است: «ثلاث قاصمات الظهر رجل استکثر عمله و نسی ذنوبه و اعجب برایه»، (شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ج ۱، ص. ۱۲۹) «سه چیز پشت شکنند، شخصی که عمل خودش را بزرگ شمارد و گناه خود را فراموش کند و رأی خود را بپسندد.»

نتیجه گیری

چنان که گذشت «گفتگو» به عنوان راه کاری مؤثر و بی نظیر برای هم‌گرایی اندیشمندان و پیروان ادیان و مذاهب ضرورت دارد و علاوه بر آن می‌تواند زمینه رفع سوء تفاهم‌ها و دشمنی‌ها را فراهم آورده و تفاهم و دوستی میان پیروان ادیان را جایگزین سازد. قرآن کریم همواره با نگاه مثبت به این روند، گفتگو را ظرفیت و فرصتی برای روشن‌گری و انکشاف حقایق می‌داند. در نتیجه استخراج مبانی و مفاهیم بنیادین از معارف اسلامی یکی از مهم‌ترین و بهترین کارها برای ارایه مدل امروزی گفتگوی بین ادیان است.

بر اساس جستجوی همه جانبه در منابع و متون دین اسلام در پژوهش حاضر، مبانی گفتگو میان پیروان ادیان و مذاهب عبارتند از: ۱- لزوم تبعیت از قواعد حاکم بر نظام آفرینش هستی؛ ۲- ضعف دانش بشری و نارسایی احتمالی متون دینی مدون در هر یک از ادیان؛ ۳- لزوم تعهد عالمان ادیان

بر روشنگری دینی و پرهیز از کتمان حقایق؛ ۴- تاکید قرآن بر پافشاری بر اصول مشترک میان ادیان آسمانی؛ ۵- تکلیف دانشمندان بر تبلیغ معارف دین؛ ۶- تبیین روشمندی و آداب صحیح گفتگو در منابع دین اسلام؛ ۷- سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (ع) در اعصار مختلف و اهتمام به گفتگوی بین ادیانی، مواردی است که عمومیت بیشتری دارد.

معارف عالیه قرآنی و سنت اسلامی ضمن توجه فراوانی که به ضرورت رونق گفتگوی بین ادیان دارند؛ از آموزش و توصیه به برخی اصول و مؤلفه‌های راهبردی که می‌تواند ثمربخشی گفتگوها را ضمانت کند، مخاطبان خود را محروم نساخته است. نظیر: الف) شکل‌گیری گفتگو با هدف حقیقت‌جویی و روشنگری و پرهیز از اغراض شخصی و گروهی؛ ب) ضرورت داشتن تخصص کافی در موضوع مورد گفتگو در طرفین مناظره؛ ج) زمان‌شناسی و بصیرت، قاطعیت و صراحت و خلاصه اخلاق مداری در گفتگو با موافقان و مخالفان و حتی معارضان.

در آخر، از بررسی و تحلیل محتوای این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت: اگر نگوئیم تنها راه خوش فرجامی پیروان مذاهب و ادیان، تمسک به راهکار گفتگوی بین مذاهب است؛ می‌توان با قاطعیت گفت: از جمله راه‌کارهای موفق و کارآمد برای روشن‌گری اذهان به منظور رفع سوء تفاهم‌ها و ترمیم آسیب‌های ویرانگر در موضوع تقریب مذاهب (خصوصاً ادیان ابراهیمی) اعتصام به حبل‌الهی و تمسک به گفتگو و رونق بازار مناظرات علمی ساختارمند و مدبرانه بین نخبگان آن‌ها است.

منابع

قرآن کریم؛ ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). پیامبر رحمت، قم: اسراء.
 حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۴). دیوان حافظ شیرازی، تهران: کانون انتشارات پیام عدالت.

حجتی، محمد باقر (۱۳۶۷). منیة المرید، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
 حرانی، حسن بن شعبه (۱۳۷۷). تحف العقول، قم: صدوق.
 حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۴). المحتصر، قم: المكتبة الحیدریة.
 رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه، قم: دار الهجرة.
 شریفی، احمد حسین (۱۳۸۹). آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم: معارف.

- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۴). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: الشریف الرضی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷). *الخصال*، تهران: کتابچی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۸). *تفسیر المیزان*، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و هشتم.
- طبرسی، علی بن حسن (بی تا). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف: مکتبه الفقهیه.
- عادل سبزواری، محمود (۱۳۸۷). *لغت نامه قرآن کریم*، تهران: نشر ثالث.
- کاکایی، قاسم (۱۳۸۱). *نامه مفید*، «گفتگوی اسلام و مسیحیت از دیدگاه ابن عربی و اکهارت»، شماره ۳۴.
- کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). *کنز الفوائد*، قم: دار الذخایر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق، محمد باقر (۱۳۸۴). *نمونه بینات در شان نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه*، تهران: انتشارات اندیشه اسلامی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۶). *اخلاق در قرآن*، قم: موسسه امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *مجموعه آثار*، (جاذبه و دافعه علی علیه السلام)، تهران: صدرا، چاپ چهارم.
- مظفر، محمد رضا (۱۳۸۸). *المنطق*، نجف: مطبعة النعمان.
- ملا حویش، عبد القادر (۱۳۸۲). *بیان المعانی*، دمشق: مطبعة الترقی.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۹۷). *مثنوی معنوی*، تهران: پارمیس.